

به نام خدا

روان انسانی
در حماسه‌های ایرانی

مؤلف: آرش اکبری مفاخر

انتشارات ترفند

اکبری مفاخر، آرش

روان انسانی در حماسه های ایرانی / آرش اکبری مفاخر ، تهران،

ترفند، ۱۳۸۴

ISBN: 964-7332-51-3

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتاب نامه: هس. ۲۲۶-۲۳۸.

۱. ادبیات حماسی ایرانی - روانشناسی.

۲. اساطیر ایرانی - جنبه های روانشناسی.

۳. روح (زودشتی). الف. عنوان.

۸۶۱ / ۰۳۰۹

PIR ۳۵۹۵ / الف ۷۹

م ۸۴ - ۱۵۸۳۵

کتابخانه ی ملی ایران



انتشارات ترفند

تهران، صندوق پستی: ۱۱۹-۱۷۱۸۵، تلفن: ۲۲۲۲۲۴۴ و ۶۸-۹۱۲۳۳۲۲.

www.iran-ketab.com/tarfand

روان انسانی در حماسه های ایرانی

مؤلف: آرش اکبری مفاخر

طراح جلد سیروس آقاخانی • واژه نگار جواد تولمی

چاپخانه تکثیر • صحافی تکثیر

نوبت چاپ اول ۱۳۸۴ • شمارگان ۲۰۰۰ نسخه

قیمت ۲۳۰۰ تومان • شماره نشر ۵۲

ISBN: 964-7332-51-3

شابک: ۹۶۴-۷۳۳۲-۵۱-۳

فهرست

راهنمای کوتاه نوشت ها ۷

مقدمه ۹

پاره‌ی نخست: روان و انسان ۱۵

بخش نخست: از آفرینش تا رستاخیز ۱۵

دوره‌ی نخست ۱۵ / دوره‌ی دوم ۱۸ / دوره‌ی سوم ۱۹ / دوره‌ی چهارم ۲۱

بخش دوم: انسان ایرانی ۲۴

بخش سوم: ساختار انسان ۲۷

تن ۳۰ / جان ۳۳ / بوی (بژده) ۳۳ / دین (دئنا) ۳۴ / فروهر (فروشی) ۳۷ /

روان ۴۲

بخش چهارم: روان انسان در اندیشه‌ی مینو ۴۷

دوران کیومرث ۴۷ / دوران هوشنگ ۵۲ / دوران تهمووث ۵۵

پاره‌ی دوم: روان پهلوانان در حماسه‌های ایرانی ۵۹

بخش نخست: روان آرشی ۵۹

آرش، مرزنامه‌ی مزده آور باران ۵۹ / اسطوره‌ی آغازین ۶۲ / اوستا ۶۴ / یشته‌ها؛

تیریشته ۶۳ / ریگ ودا ۶۵ / دینکرد ۶۸ / بندهش ۷۰ / گزیده‌های زاد سپرم ۷۱ /

روان گاو و روان انسان ۷۴ / تاریخ بلعی ۷۶ / شاهنامه‌ی فردوسی ۷۷ / آثارالباقیه

۸۰ / تن آرش ۸۲ / شاهنامه‌ی ثعالبی ۸۳ / قطعه‌ی نوبارانی ۸۶

بخش دوم: روان گرشاسپ ۹۰

مرگ گرشاسپ ۹۲ / روان گرشاسپ در بارگاه اهورامزدا ۹۶ / روان گرشاسپ و
اژدها ۱۰۰ / مبارزه‌ی گرشاسپ با اژدها ۱۰۳ / شاهنامه و گرشاسپ نامه ۱۰۵ /
روان گرشاسپ و دیو زرین پاشنه ۱۰۸ / دیو گند رو در شاهنامه ۱۱۲ / دیو گندرو
در گرشاسپ نامه ۱۱۲ / رزم گرشاسپ با دیو ۱۱۴ / گرشاسپ نامه ۱۱۵ / روان
گرشاسپ و راهزنان ۱۱۸ / نبرد گرشاسپ با راهزنان در گرشاسپ نامه ۱۱۹ /
سرنوشت روان گرشاسپ ۱۲۰ / روان گرشاسپ و رستاخیز ۱۲۳

بخش سوم: روان بانوگشسپ ۱۲۵

روان بانوگشسپ و ایزد بانوان ۱۲۶ / روان بانوگشسپ و برادر ۱۳۰ / با برادر در
بزم و شکار ۱۳۲ / با برادر در میدان رزم و کین ۱۳۶ / روان بانوگشسپ و تن
(خوردن و نوشیدن) ۱۳۹ / روان بانوگشسپ و عشق و ازدواج ۱۴۳ / روان بانو
گشسپ و دیدار نخستین با مرد ۱۴۷ / بازتاب روان و ناخرسندی دختر ۱۴۸ / بازتاب
روان و خرسندی دختر ۱۵۲

بخش چهارم: روان سیاوش ۱۵۹

روان سیاوش و نخستین انسان ۱۶۰ / آفرینش مینو ۱۶۰ / روان سیاوش و شاه
۱۶۵ / در برابر گناه ۱۶۷ / شهریار آرمانی ۱۶۹ / آرمان شهر ۱۷۳ /
روان سیاوش و پیامبر ۱۸۲ / آفرینش زردشت و سیاوش ۱۸۲ / بازیبندی ۱۸۷ /
مادر ۱۸۸ / کودکی ۱۸۸ / برخورد با زن اهریمنی ۱۸۹ / گذشتن از آتش ۱۹۲ /
روان سیاوش و پهلوان ۱۹۵ / منش پهلوانی ۱۹۵ / رستم و ایندرد ۱۹۶ / سیاوش و
مهر ۱۹۷ / رستم و سیاوش ۱۹۸ / سیاوش در میدان پهلوانی ۲۰۳ / گذشتن از آتش
(سیاوش و سیتا) ۲۰۵ / سروش آزادی (سیاوش و اغریث) ۲۱۱

سخن پایانی ۲۱۹

کتاب نامه ۲۲۲

پیوست: آرش نامه ۲۳۲

راهنمای کوتاه نوشت‌های دینکرد و....

دین کرد ۳ ف؛ (دینکرد) کتاب سوم، دفتر یکم، کرده ۱۱۲ - ۱۰، ترجمه فریدون فضیلت.

دینکرد ۵ آت؛ کتاب پنجم، کرده ۳-۲، ترجمه ژاله آموزگار - احمد تفضلی، نک: اسطوره زندگی زردشت، ص ۱۱۲-۱۰۷.

دینکرد ۷ مز؛ کتاب هفتم، سرآغاز، ترجمه کتایون مزداپور، نک: پژوهشی در اساطیر ایران، افزوده بر بخش چهاردهم، ص ۲۱۰-۲۰۴.

دینکرد ۷ آت؛ کتاب هفتم، کرده ۵-۱، ترجمه ژاله آموزگار - احمد تفضلی، نک: اسطوره زندگی زردشت، ص ۱۰۵-۵۵.

دینکرد ۹ آت، کتاب نهم، کرده ۲۴، ترجمه ژاله آموزگار - احمد تفضلی، نک: اسطوره زندگی زردشت، ص ۱۱۸-۱۱۳.

م. او ۲۹؛ (بررسی دستنویس م. او ۲۹) داستان گرشاسب، تهمورس و جمشید، گِلشاه و متن‌های دیگر، ترجمه کتایون مزداپور.

Denkard 3 S; Book 3. Peshotun Dustoor Behramjee Sanjana, Vol.1- 9, Bombay. 1874-1900.

Denkard 4 W; Book 4.-----, 1900.

Denkard 5 W; Book 5. Ch,1-4. West.E.W. from SBE¹ Vol. 5, oxford university press, 1897.

Denkard 5 S; Book 5, Ch, 1-31. Peshotun Dustoor Behramjee Sanjana, Bombay. 1900.

1. Sacred Books of East.

Denkard 6 S; Book 6, Darab Dastur Peshotan Sanjana. 9107.

Denkard 7 W; Book 7, West.E.W. SBE Vol.5, 1897.

Denkard 8 W; Book 8,-----,

Denkard 9 W@ Book 9,-----,

Zand akasih; Anklesaria. B. T. Zand akashi, Iranian or Greater
Bundahishn, Bombay, 1956¹.

۱. برای دست یابی به ترجمه انگلیسی کتاب‌های ادبیات ایران باستان به سایت‌های اینترنتی

زیر نگاه کنید:

www. Sacred _ Texts. com و www. Avesta _ Zoroastrian Arshive. com

«حماسه‌های ایرانی»، نام واژه‌ای است که برای بخش‌های حماسی ادبیات ایران؛ ادبیات ایران باستان و ادبیات فارسی، برگزیده شده است. این دو با هم پیوندی دیرین و ناگسستنی و همانا ناشناخته دارند؛ تا آنجا که دانشجویان زبان و ادبیات فارسی کم و بیش با ادبیات ایران باستان بیگانه هستند و آگاهی چندانی از این گنجینه‌ی سرشار ادبیات، اسطوره و حماسه، عرفان و راز و رمز، شعر و داستان و... ندارند. از این روی این پژوهش در راستای برقراری پیوند میان این دو کانون فرهنگ بشری جدا افتاده از هم برگزیده شده است.

بدون آگاهی از ادبیات ایران باستان حماسه‌های فارسی برای ما ناشناخته هستند، سرچشمه‌های شاهنامه‌شناسی را شایسته است که در فرهنگ و ادبیات ایران باستان جستجو کرد. زیرا شناسنامه و کردار شناسی پهلوانان، شاهان، شاهزادگان، مردم، انسان‌ها و حتی جانوران، درختان، گیاهان، آب‌ها، کوه‌ها، کاخ‌ها و... در شاهنامه و در هر حماسه‌ی ملی دیگری، در آنجا به نوشتار آمده است.

بی‌آنکه یادگار زریران را بشناسیم، پی بردن به راز و رمزهای گشتاسپ‌نامه چندان فراهم نمی‌آید. بی‌آگاهی از اسطوره‌ی گرشاسپ در اوستا، دینکرد و روایت پهلوی، گرشاسپ‌نامه افسانه‌ای می‌نماید. آرش، بدون شناخت از فرشته‌ی باران، روان‌گاو، ارزش تن، جان و روان آدمی، در ایران باستان، تنها، کمانداری است که تیری افسانه‌ای می‌اندازد. هزار سال پیش ابوریحان بیرونی، این نکته را گوشزد کرده است: آن کسی که تیری پرتاب می‌کند، جان خویش در تیر می‌نهد؛ تن او پاره پاره می‌گردد و فرشته

سپندارمذ نیر او را می برد، آرش اوستایی است.

بدون آگاهی از عرفان گاهانی و آموزه های عرفانی ایران باستان از آموزه ها و راز و رمزهای شاهنامه به درستی، برداشتی روشن نخواهیم داشت. سیاوش یک شاهزاده و پهلوان است اما با شناخت ریشه های رازوارگی بیت های شاهنامه در بزرگداشت سیاوش از اوستا، دینکرد و بندهش، سیاوش اسطوره ای آفرینش اهورایی و نماد والای آفرینش تن و روان است که همانا نماینده ی اهورا مزدا و آفرینش اوست.

بدون اندیشیدن به آموزه ی جهان کهن و مهین بندهشی، زیبایی های تن سیاوش و هرزیبای دیگری را درک نخواهیم کرد و آنگاه است که تمام هستی را در وجود انسان حس می کنیم و به اندیشه می نشینیم.

بانوگشپ دختر رستم، زنی است پهلوان، همانند مردی پهلوان اما با شناخت آرمان های روان آدمی از امشاسپندان و فرشتگان که هر یک فروزه ای و جلوه ای از اهورا هستند، او نماینده ی ایزد بانوان ذهن بشریت در هزاره های گمشده، در درازنای روزگاران است. بانوگشپ پرورده ی چنین اندیشه ای است تا آنجا که آغاز و پایانی برای زندگی آرمانی او در خیال اسطوره سازان و حماسه پردازان نیامده است.

در این پژوهش با دیدگاهی نو به بررسی روان انسان در حماسه های ایرانی پرداخته شده و همواره سه گزینه ی «آرمان، اسطوره و حماسه» را پیش چشم داشته است زیرا پیکربندی روان و اندیشه ی پهلوانان را بایسته است که از دوران آرمانی آغاز زندگی (= نخستین دوره ی آفرینش اهورامزدا) کاوید. یعنی در زمانی که اهورامزدا آفریدگان خویش را به گونه ی مینو می آفریند و در پایان این دوره اهریمن به بارگاه اورمزدی می تازد که نقطه ی آغازین شکل گیری حماسه های ایرانی است. نمونه هایی از این گردش و دگرگونی بیان می گردد.

در این دوران پرشکوه ایزد بهرام، اهریمن و دیوان را که دست در تباہکاری زده‌اند به فرمان اهورا مزدا دست بسته به دوزخ می‌برد و آنان را در بند می‌کند. این آرمان روان انسان در دوران مینو، در اوستا به اسطوره‌ی جنگ میان اژی دهاک (اژدهای سه کله‌ی سه پوزه‌ی شش چشم) و فریدون دگرگون شده است که فریدون او را از میان برمی‌دارد.

در متون پهلوی، اژی دهاک پیکر زمینی و انسانی به خود می‌گیرد، او تازی مردی است که به ایران زمین تاخته است، فریدون با او می‌جنگد و او را در دماوندکوه به بند می‌کشد. این نبرد در شاهنامه، رنگ و بوی حماسی به خود می‌گیرد، پهلوانی کاوه نام در متن اسطوره افزوده می‌گردد و باز هم فریدون، ضحاک، نماد زمینی و انسانی اهریمن و اژی دهاک را به رهنمون سروش، پیک ایزدی، در دماوندکوه به بند می‌کشد.

در گرشاسپ‌نامه، اهریمن به پیکر دیوی در می‌آید، گرشاسپ با او می‌جنگد، او را می‌گیرد، به کشتی می‌بندد و به ژرفنای دریا می‌اندازد. او زنده است مانند ضحاک و هرازگاهی خروشی برمی‌آورد. گرشاسپ، در پایان جهان که پهلوان اهورامزدا و نماینده‌ی ایزد بهرام و فریدون است، باز تاب‌های اندیشه، گفتار و کردار بد - اهریمن، اژی دهاک، ضحاک و دیو - را که در این هنگام بند پاره کرده و دست به ستمکاری زده، از میانه برمی‌دارد و جهان را از اهریمنی پاک می‌کند و آن را به دوران آرمانی و زندگی آغازین در مینو پیوند می‌دهد.

گرشاسپ پهلوانی است که در دوران آرمانی، خواب و بیداری ندارد، همیشه بیدار است. در اسطوره، خوابی دراز آهنگ بر او چیره می‌گردد و در حماسه کشته می‌شود. اما این گردش در فرجام به یک حقیقت ساده می‌پیوندد و گرشاسپ در پی بیماری به مرگی روزمره در تخت‌خواب دچار می‌گردد که شایسته پهلوان نیست یا اینکه کردار او گاهی به افسانه می‌ماند.

سیاوش، آفرینشی آرمانی دارد. فره فروهر و روان او از اهوراست و پیش از تن او آفریده شده‌اند: روان او، بسان اورمزد و تن او، بسان گیتی است، یعنی والاترین و ارجمندترین روان و تن انسانی.

اسطوره‌ی او، اوج خواسته‌های آدمی در شهرسازی آرمانی و آرمان شهر است. در حماسه از آتش می‌گذرد، برای نیکی می‌جنگد بی آنکه خون کسی را بریزد. با اندیشه، گفتار و کردار نیک خود می‌جنگد تا به آشتی دست یابد. برای پایایی و روایی آشتی و درستی پیمان، تن و جان خویش را هزینه می‌کند.

با مرگ حماسی سیاوش، او به اسطوره‌ی نخستین انسان می‌پیوندد. گیاه زندگی از خون او سرمی‌کشد و باز دیگر باره روان او، به بهشت و روشنایی بیکران می‌رسد و به اهورامزدا می‌پیوندد.

در این پژوهش به انسان که اسطوره‌ی آفرینش و گوهر هستی او که روان اوست، پرداخته شده است. انسان ایرانی از دو سوی روان و تن، برگرفته از اهوراست و در خور نگرش و اندیشیدن و شایسته برای پی بردن به رازهای آفرینش.

در بررسی ساختار انسان، نخست تن او که نموداری از جهان گیهانی است و سپس گوهرهای پنجگانه‌ی درونی او که هر کدام در رسیدن به کمال انسانی برای او نقش ویژه‌ای دارند، بررسی می‌شوند:

جان، نگهدارنده‌ی تن آدمی و دستمایه‌ی زیست اوست؛ بوی، نیروی درک و دریافت اوست و در فرجام به روان می‌پیوندد؛ دین، نیروی گزینش نیک و بد و بیانگر اختیار و اراده‌ی آدمی است؛ فره‌ر از آن آفرینش نیک اهورایی است که، انسان، جانور، آب و گیاه را در بر می‌گیرد. فروهر، ذره‌ای از خود اهوراست که در فرجام پاک و پاکیزه به اهورا بر می‌گردد.

و سرانجام روان، نیرویی است که پیش از تن آفریده شده و پس از

آفرینش انسان، به پیکر او تنیده شده است. خویشکاری خود را در این گیتی به کار می‌گیرد و پاداش و پادافره خود را در مینو یا دوزخ به دست می‌آورد. روان در این گیتی راهنمای تن، در انجام اندیشه، گفتار و کردار نیک و بد اوست و تن را همانند نگهبانی می‌ماند که به پاسداشت او برگماشته شده است، نیک و بد کردار آدمی به گردن روان اوست و در روز فرجامین، او پاسخ‌گوی کردار تن آدمی است.

برای در پیش چشم داشتن آموزه‌هایی که در ادبیات ایران باستان آمده است و نقش و نگاری که از خود در حماسه‌های فارسی برجای نهاده‌اند، چهار پهلوان: «آرش، گرشاسپ، بانوگشسپ، و سیاوش» از حماسه‌های ملی ایران برگزیده شده‌اند و به روانکاوی و روان‌شناخت اسطوره‌ای و حماسی آنها پرداخته شده است.

برای هر پهلوان، تلاش بر آن بوده است که پیش‌زمینه‌های آرمانی و یادواره‌های دوران مینوی او که یادمان آنها در روانش بر جای مانده است، پدیدار شود و پس از آن، گذر آرمان به اسطوره، یعنی دمیده شدن روان پیش‌آفریده در تن پهلوان و بازتاب اسطوره‌ای آن، در کردار پهلوانی به نمایش درآید.

با آگاهی از آرمان و اسطوره‌ی پهلوان، جایگاه او در حماسه‌های ایرانی با نگرش و اندیشه‌ای بر کردار پهلوانی و حماسی او به شناخت آمده است تا گوهر و هستی پهلوان از نخستین لحظه‌ی آفرینش روان او و سپس تن او و دیگر باره یاری روان او به اندیشه، گفتار و کردار او و در فرجام، مرگ پهلوان و پرواز روان او به شناخت آید، و پیوندی میان سه دوره‌ی زندگی هر پهلوان: پیش از آفرینش، زندگی در گیتی و زندگی پس از مرگ پدید آمده باشد.

در پایان از راهنمایی‌ها، روشن‌گری‌ها و بزرگواری‌های استادان ارجمندم

به ویژه جناب آقای دکتر قدمعلی سرامی سپاسگزارم.
از خانواده‌ی گرانقدر و دوست داشتنی‌ام که زحمات‌های فراوان برایم
کشیدند و در تمام کارها یاری‌گرم بودند، به ویژه برادرم آقا مصطفی، سپاس
بیکران دارم.

آرش اکبری مفاخر^۱
کنگاور، مهرماه ۱۳۸۳